

بررسی دفع و امحاء پسماندهای هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل زیست محیطی

محسن خواجه زاده^۱. زهره درشت^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

۲. کارشناسی پرستاری

چکیده

یکی از چالش‌هایی که در دهه‌های گذشته محیط زیست بین‌المللی را با خود درگیر نموده است بحث دفع و امحاء پسماندهای هسته‌ای است که علاوه بر درون سرزمین‌های داخلی یک کشور موجبات دغدغه بین‌المللی سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی حامی محیط‌زیست شده است. در واقع امروزه نه تنها سازمان ملل متحد بلکه دیگر سازمان‌های بین‌المللی با صلاحیت جهانی نیز قدم در راه توسعه و بهبود حفاظت از محیط زیست نهاده‌اند. یکی از مسائل زیست محیطی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی ذهن بشر را به خود مشغول داشته است، مشکل آلدگی‌های ناشی از پسماندها می‌باشد. پیشرفت در فتاوری، احداث کارخانه‌های بزرگ صنعتی و دستیابی اکثر کشورها به انرژی هسته‌ای، معضل آلدگی‌زیست محیطی ناشی از پسماندها را به مشکلی جهانی مبدل نمود. به گونه‌ای که حتی سازمان‌های بین‌المللی با اهدافی خاص غیر از اهداف زیست‌محیطی تصمیم گرفتند به مسایل زیست‌محیطی ناشی از فعالیت شان توجه کافی مبذول دارند. حال این سوال مطرح می‌شود که از منظر حقوق بین‌الملل زیست‌محیطی، دفع و امحاء پسماندهای هسته‌ای باید چگونه باشد؟ در این راستا فرضیه اصلی این است که مفاهیمی مانند امنیت و توسعه پایدار ایجاب می‌کند که بر اساس اصولی حقوقی باید نسبت به دفع و امحای پسماندهای هسته‌ای اقدام نمود. این تحقیق به لحاظ کاربردی بنیادی است و از نظر ماهیت پژوهش، تحقیق توصیفی از نوع موردی است. از جمله نتایج این پژوهش آن است که بر اساس اصولی مانند اصل استفاده غیر زیانبار از سرزمین، اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، اصل مسئولیت کشورها در قبال صدمه به محیط‌زیست دیگر کشورها در زمینه آلدگی‌های فرامرزی و اصل اطلاع‌رسانی فوری و به موقع در مورد خسارات فرامرزی به محیط‌زیست باید در دفع و امحای پسماندهای هسته‌ای اقدام نمود.

واژه‌های کلیدی: دفع و امحاء، پسماندهای هسته‌ای، حقوق بین‌الملل زیست محیطی

مقدمه

طی چند دهه گذشته، افزایش جمعیت، گسترش دامنه مداخلات بشر در طبیعت برای تامین نیازهای فزاینده از منابع کمیاب طبیعی، گسترش رویکرد سود انگاری در قالب طرح‌های توسعه‌ای، بی‌پروایی نسبت به جستار پایداری محیط‌زیست در ساخت سازه‌ها و زیرساخت‌ها و مانند آن، پیامدهای ناگواری همانند گرمایش کروی، ویرانی لایه ازن، پدیده الینیو، طوفان‌های سهمگین، بالا آمدن آب سطح دریاهای، گسترش گازهای گلخانه‌ای، خشکسالی، سیل، فرونشست زمین، کاهش آب شیرین، بیابان‌زایی، کاهش خاک مرغوب، آلودگی هوا، باران‌های اسیدی، جنگل زدایی و نابودی تنوع زیستی پیامدهای فرسایی محیط زیست بوده‌اند. تداوم وضعیت موجود، آینده زیست و تمدن فرا روی بشر را مبهم و نامطمئن کرده است. نگرانی از این وضعیت به همراه شرایط نامطلوب کنونی، در طرح رویکردهایی همانند امنیت زیست‌محیطی بسیار اثرگذار بوده است.

کمیسیون بین‌المللی محیط‌زیست و توسعه در گزارش براندت لند (Brundt Land) موضوع محیط‌زیست را در بیان ذیل به طور صریح با مقوله امنیت مرتبط می‌داند: «بشریت با دو تهدید بزرگ مواجه است. تهدید نخست با تبادلات هسته‌ایی مرتبط است؛ بیاید امیدوار باشیم این چشم‌انداز در آینده رو به کاهش خواهد رفت.

تهدید دوم مربوط به تخریب گسترده محیط‌زیست کره زمین در دورنمایی طولانی است و این موضوع در حال حاضر حقیقت به نظر می‌رسد.»

اگرچه محیط‌زیست دارای قدمتی بس طولانی است، اما توجه به مفهوم و کاربرد علمی آن محدود به چند دهه اخیر می‌باشد، به طوری که این واژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی که همزمان با افزایش آلودگی‌ها و تخریب منابع طبیعی بوده، رایج و معمول گشت.^۱

پس در این پژوهش ضروری است اصولی که می‌تواند حاکم بر دفع پسماندهای هسته‌ای با تاکید بر توسعه پایدار و امنیت زیست‌محیطی باشد مورد بررسی قرار گیرد.

۱- حق برخورداری از توسعه پایدار و امنیت زیست‌محیطی

۱-۱- حق برخورداری از توسعه پایدار و محیط‌زیست سالم

تحقیق حق برخورداری از توسعه و محیط‌زیست سالم عنوان حق‌های بشری در گروه سازوکار موثری به نام توسعه پایدار است. این پیشنهادی است که گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه مشهور به آینده مشترک ما (۱۹۸۷) برای آشتبانی نقطه نظرات کشورهای جنوب و شمال در خصوص نقش محیط زیست و رابطه آن با توسعه اقتصادی ارایه نموده است. بعای تقابل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از

^۱- دبیری فرهاد و دیگران، (۱۳۸۶) «جایگاه محیط‌زیست در قوانین برنامه‌ای پس از انقلاب در ایران»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره نهم، شماره اول، ص. ۹۱

محیط‌زیست باید سیاست‌های جدیدی را دنبال کرد که در آن‌ها با رعایت همه حق‌های بشری حفاظت از محیط‌زیست مورد توجه قرار گیرد. در این سند، توسعه پایدار «توسعه‌ای است که نیازهای کنونی ما را برآورده می‌سازد، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در اراضی نیازهای خود محدود یا ناممکن سازد». بنابراین در توسعه پایدار دو مولفه مورد توجه قرار می‌گیرد.

– برآوردن نیازهای اساسی انسان‌ها، بویژه افراد و ملت‌های فقیر.

– توجه به حقوق نسل‌های آینده در برخورداری از منابع و امکانات زیست محیطی، با توجه به فشارهای ناشی از سازمان‌های اجتماعی و وضعیت تکنولوژی بر محیط زیست.

بدین ترتیب می‌توان گفت هر نسل برای تامین منافع و رفاه خود فقط مجاز به استفاده از روش‌ها و منابع طبیعی و رویارویی با محیط زیست تا حدی است که سبب تضعیف توانایی‌های نسل‌های آینده در اراضی نیازهایشان نشود.^۱

در این راستا اعلامیه ریو ۱۹۹۲ مقرر می‌دارد: «حق برخورداری از توسعه پاید به ترتیبی تحقق یابد که نیازهای مربوط به توسعه محیط زیست نسل‌های حاضر و آینده را ملحوظ و تامین نماید.» (اصل سوم) برای دستیابی به توسعه پایدار فرایند توسعه باید متصمن حفاظت از محیط‌زیست باشد. با تشکیل کمیسیون توسعه پایدار وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متعدد در سال ۱۹۹۲، مشاهده می‌شود که ارجاع به مفهوم توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی بسیار رایج و متدالو گردیده است. اعلامیه ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ در مورد توسعه پایدار و برنامه عمل اجلاس جهانی توسعه پایدار جایگاه این مفهوم را در عرصه بین‌المللی تحکیم بخشیده است. اعلامیه ژوهانسبورگ اعلام می‌نماید: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست سه بنیاد اساسی وابسته و مکمل توسعه پایدارند. کثرت و استمرار ارجاع به این مفهوم در اسناد بین‌المللی موجب گردیده است که برخی آن را یک اصل عمومی حقوق بین‌الملل تلقی نموده یا حداقل آن را تجلی جهان شمولی یک اعتقاد حقوقی و کلی (opinio juris) بدانند. به توسعه پایدار در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اشاره شده است. «مفهوم توسعه پایدار ترجمان ضرورت آشتی بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست است.» در واقع، «محیط زیست امری انتزاعی نیست، بلکه فضایی است که افراد انسانی در آن زندگی می‌کنند و کیفیت حیات و سلامت آنها و نسل‌های آینده به آن وابسته است.^۲

پس نگرانی‌های مربوط به تخریب محیط و برخوردهای اجتماعی ناشی از تغییرات آب‌وهایی به بحث‌هایی که در دوران معاصر بر سر امنیت کره زمین، میلیتاریسم و تسلط بر کره زمین مربوط می‌شود

۱- لانک هلیف، (۱۳۸۴) «توسعه پایدار و درنگی در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه»، ترجمه جمال محمدی، مجله راهبرد، ج ۱ شماره ۲، صص ۵۸۳-۷۱۴.

۲- افتخار جهرمی گودرز، (۱۳۸۸) «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، پاییز و زمستان، صص ۱۸-۱۹.

اضافه شده است. این نگرانی از مسائل محیطی در حیطه سیاست‌های جهانی در کنفرانس سازمان ملل متعدد که با عنوان محیط و توسعه در ریو در سال ۱۹۹۲ برگزار شده بود، مطرح گردیده که در آن بیش از صد ها سازمان غیردولتی و صد ها حکومت و رهبران دولت‌ها برای مبارزه با خطرات اکولوژی جهانی با هم متحده شدند. نگرانی در مورد مسائل محیطی تاریخی طولانی دارد، چنان که با رشد صنعتی شدن و توسعه شهری چشم‌اندازهای تازه‌ای در سطح زمین به صورت یک لایه زندگی ظاهر شده است.^۱ خوشبختانه حق داشتن محیط‌زیست سالم امروز دیگر صرفاً یک آرزوی دست نیافتنی نیست، بلکه پس از حدود چهل سال تلاش مداوم سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و مجتمع علمی به حقی کاملاً شناخته شده در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی تبدیل گردیده است.

علاوه بر اسناد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، توسعه پایدار مفهومی بسیار رایج و موکد دراستاد و موازین حقوقی داخلی بویژه اسناد مربوط به برنامه‌های اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و زیست محیطی است.

۱-۲- جایگاه امنیت زیست محیطی در عصر جهانی شدن

در مفهوم سنتی، امنیت ملی که در خلال جنگ سرد ظاهر شد، به امنیت بعنوان یک عمل تعقیب موقوفیت‌آمیز رقابت قدرت بین دولت‌ها نگاه می‌شد. این مفهوم دولت مستقل را به عنوان یک واحد تحلیل درنظر می‌گرفت و تنها با تهدیدات نظامی یا مواردی که به یک دشمن ارتباط داشت مورد توجه قرار می‌گرفت. امنیت ملی نیز برای انتقال این ایده بکار می‌رفت که یک مجموعه خاصی از مسائل که برای یک کشور اهمیت زیادی دارد نیاز به سازماندهی منابع مادی و انسانی در سطح بالا را دارد. امنیت زیست‌محیطی بیانگر یک چرخش قابل ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسئله مجزا را بیان می‌کند. عوامل زیست‌محیطی احتمالی که در پشت سر برخوردهای خشونت‌آمیز قرار دارند و نیز تأثیر تخریب محیط‌زیست جهانی بر سلامتی جوامع و اقتصادها. این عقیده که تخریب محیط‌زیست زمانی که به عنوان عامل برخوردهای خشونت‌آمیز تجلی پیدا می‌کند یک مسئله امنیتی است به نظر می‌رسد با تعریف سنتی امنیت ملی سازگاری دارد. به هر حال طرفداران امنیت زیست محیطی بر این نکته تأکید دارند که تخریب محیط‌زیست در نتیجه نیروهای اقتصادی و اجتماعی غیرشخصی بوده و راه حل‌های مشارکتی را می‌طلبدن. این گونه تمرکز بر روی تهدیداتی که با یک دولت دشمن و یا موجودیت سیاسی سروکار ندارد بسیاری از نظریه پردازان و صاحب‌نظران امنیت ملی را که از نظر آنها فقط مسائلی باید به عنوان موضوع «امنیت»، مورد توجه قرار گیرد که به محور درگیری می‌چرخد، آزار می‌دهد.

^۱-دادس کلاوس، (۱۳۸۴) زنوبولیک در جهان متغیر، مترجم ذهرا احمدی بور، تهران، پlague دانش، ص ۱۸۶.

به صورت روشن‌تر، امنیت زیست‌محیطی با هر تهدیدی که از خارج کشور متوجه رفاه اجتماعی و جمعیت آنها شود، به طوری که بتواند از سیاست‌های عمومی تأثیر بپذیرد، ارتباط پیدا می‌کند. طرفداران امنیت زیست‌محیطی استدلال می‌کنند که فشار فزاینده بر سیستم‌های حافظ زندگی و منابع طبیعی تجدید شونده، اشارت روشنی برای سلامت و رفاه انسان دارند که حداقل به همان اندازه تهدیدات نظامی سنتی جدی هستند. امنیت زیست‌محیطی خواه با تمرکز انحصاری بر روی امنیت دولت ملی سازگار باشد و خواه در مقابل با آن، مسئله‌ای است که طرفداران آن نظریات مختلفی را ابراز داشته‌اند. برخی، تهدیدات زیست‌محیطی را در چارچوب امنیت ملی در نظر می‌گیرند، اگر چه آنها هم بر عدم کفايت پاسخ‌های دولت ملی سنتی به چالش‌های زیست‌محیطی جهانی مبنی بر ملاحظات استقلال ملی تأکید می‌ورزند. دیگران می‌گویند که امنیت زیست‌محیطی ذاتاً به لحاظ ویژگی خاص آن، بیشتر یک پدیده جهانی است تامیلی. از آن جا که تهدیدات زیست‌محیطی همه انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابر این همکاری جمعی در مقیاس جهانی را می‌طلبند. امنیت زیست‌محیطی با تهدیدات سرو کار دارد که نه تن‌ها نتیجه غیرعمدی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است بلکه در مقایسه با تهدیدات نظامی خیلی کند پیش می‌رود. بنابراین افق‌های زمانی که برای برنامه‌ریزی سیاسی لازم است، بی‌نهایت گسترده است. درحالی که برخی از برنامه‌های هدف‌گذاری شده برای کاهش میزان نرخ رشد جمعیت می‌تواند طی یک یا دو دهه آینده به نتایج قابل قبولی برسنند، ولی این زمان بیشتری را می‌طلبند تا کاهش میزان رشد جمعیت بر مدیریت منابع طبیعی اثر بگذارد. یک برنامه نمونه (پیک) برای برگرداندن تخریب زیست محیطی یک اکوسیستم کامل و یا احیاء مجدد آن به منظور به دست آوردن نتایج مورد نظر می‌تواند دست کم ۵۰ سال طول بکشد. برای تأثیرگذاری سیاست‌های مربوط به اعاده لایه اوزون تا ۱۰ سال زمان مورد نیاز است، و سیاست ایجاد تغییرات اقلیمی حتی بیشتر از آن زمان می‌خواهد. این افق‌های زمانی بیان کننده یک مانع بزرگی برای یکپارچه‌سازی امنیت زیست‌محیطی در قالب فرآیندهای سیاست‌گذاری است، زیرا نظام‌های سیاسی برای دوراندیشی در ارتباط با موارد پیش‌روی خود سازماندهی نشده‌اند.^۱

رابطه بین منابع طبیعی کمیاب و برخوردهای بین‌المللی موضوع جدیدی نیست. لکن برخلاف اندیشه امنیت ملی سنتی درباره چنین برخوردهایی، که اصولاً بر منابع تجدیدناپذیر، نظیر معادن و نفت تمرکز می‌کند، رویکرد امنیت زیست‌محیطی بر منابع تجدیدناپذیر، یعنی آنهایی که اگر به صورت درست اداره شوند تهی نخواهند شد تأکید می‌نماید. درگیری کشورها بر سر منابع تجدیدشونده دو نوع هستند: آنهایی که تهی کردن منابع؛ هدف مستقیم درگیری هستند و آنهایی که عامل غیرمستقیم برای درگیری محسوب می‌شوند. منابع آب شیرین، و ذخایر شیلات شفاف‌ترین نمونه‌های منابع تجدیدشونده هستند که هدف مستقیم درگیری‌های احتمالی خشونت بار بین‌المللی قرار دارند. درگیری بر سر آب‌های تقسیم

1- Homer, tomas, Environmental scarcities and violent conflict : evidence cases, International security, (summer). 1994. p 494.

شده رودخانه‌های بین‌المللی، از گذشته‌ها مورد علاقه برنامه‌ریزان امنیت بین‌المللی بوده است. جامعه روشنفکران ایالات متحده آمریکا در نیمه دهه ۱۹۸۰ پیش‌بینی کردند که در جهان ۱۰ مکان وجود دارد (نیمی از آن در خاورمیانه است) که به خاطر کم شدن منابع آب شیرین، در آنها بروز جنگ امکان پذیر است که یکی از آنها رود اردن است که به وسیله اردن، اسرائیل و لبنان مشترکاً مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، یا رودخانه نیل، که به وسیله مصر، ایتالیا و سودان، مورد بهره‌برداری واقع می‌شود. هم چنین رودخانه‌های دجله و فرات که از سوی عراق، ترکیه و سوریه مشترکاً مورد استفاده می‌باشند. در گیری‌های بین‌المللی در زمینه ذخایر شیلات در دهه‌های اخیر بارها تکرار شده است. تنها در سال گذشته ۲۰ مورد از این نوع گزارش شده است که در چندین مورد آن از کاربرد زور استفاده شده است. بدون هرگونه موافقتنامه بین‌المللی در زمینه ذخایر شیلات که مناطق ان صاری اقتصادی کشورها را گسترش می‌دهد یا آنهایی که بین مناطق مزبور و یا بین مناطق ساحلی و دریاهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، حتی پدید آوردن نوسانات عادی در منابع مزبور، رقابت میان دولتها را بر سر منابع شیلات افزایش می‌دهد. ولی با بیش از نیمی از منابع عملده شیلات دریایی جهان که در شرایط کاهش جدی ناشی از ماهیگیری مفرط قرار دارند و بقیه که به اندازه و یا بیش از حد محدودیت‌های طبیعی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند سبب می‌شود که استعداد و ظرفیت تقابل سیاسی و حتی نظامی در حال رشد باشد. کشورهای ساحلی نظیر کانادا، شیلی و روسیه که ماهیگیری در منطقه انحصاری - اقتصادی آنها از طریق عملیات ناوگان ماهیگیری دوردست در دریاهای بزرگ جانبی آنها کاهش می‌یابد، برای توقف کشتی‌هایی که در جستجوی ماهیگیری بی‌رویه حتی در خارج از منطقه انحصاری - اقتصادی می‌باشند خود را آماده تهدید به کاربرد زور نموده‌اند.^۱

۲- حمایت بین‌المللی از آلودگی زیست محیطی ناشی از دفع پسماندها

مساله محیط‌زیست و آلودگی‌های ناشی از آن چیزی نیست که تنها منحصر به یک کشور یا کشورهای خاصی باشد و اکثر آلودگی‌هایی که در یک کشور و یک گوشه دنیا اتفاق می‌افتد به چندین کشور دیگر سرایت می‌کنند. هوای آلوده یک کشور و شهرهای مرزی، محدود به خود نگشته و کشور هم‌جوار خود را نیز آلوده می‌کند.

آب‌های آلوده که از چند کشور عبور می‌کنند، اقیانوس‌های آلوده، کاسته شدن از لایه ازن همه و همه مسائلی نیست که تنها منحصر به یک کشور باشد، از این جهت نیازمند همکاری بین‌المللی و فعالیت و تلاش همه دولت‌های است.

۱- علیزاده عمران؛ زهرا پیشگاهی فر، (۱۳۹۰) «امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۴، بهار، ص ۱۱۷.

حقوق محیط‌زیست مساله جدیدی است و پس از کنفرانس استکلهم در سال ۱۹۷۲ در کانون توجهات قرار گرفت و شاید بتوان گفت این کنفرانس باعث شد که این حقوق در سطح ملی اکثر کشورها از ساختار منسجم تری برخوردار شود.^۱

البته قبل از آن تلاش‌های بین‌المللی صورت گرفته بود. مثلاً در زمینه مبارزه با آلودگی نفتی در دریاها تخصیص کوشش بین‌المللی در این زمینه در دهه ۱۹۲۰ میلادی تحقق یافت. بدنبال تلاش‌های دهه ۱۹۲۰ میلادی، در سال ۱۹۵۴ کنفرانسی به دعوت انگلستان برگزار شد. نمایندگان ۳۲ کشور و ناظرانی از ۱۰ کشور در این کنفرانس شرکت نمودند.

در زمینه جلوگیری از آلودگی هسته‌ای نیز عهدنامه مسکو در اوت ۱۹۶۳ مورد تصویب قرار گرفته است که ۱۰۲ دولت این عهدنامه را امضاء کرده‌اند و نوعی خاص از آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را منع می‌کند.^۲ اما پس از کنفرانس محیط‌زیست بشر سازمان ملل متحده در سال ۱۹۷۲ میلادی در استکلهم، برنامه‌ی محیط‌زیست سازمان ملل متحده به عنوان بازوی اجرایی جهانی این سازمان در حفظ و نگهداری از محیط‌زیست به وسیله‌ی مجمع عمومی تأسیس گردید تا وضعیت محیط‌زیست جهانی و اثرات سیاست‌ها و تدابیر زیست محیطی در سطح ملی و بین‌المللی را مدیریت نماید.^۳

پیش از پذیرش کنوانسیون بازل در خصوص حمل و نقل فرامرزی پسمندی‌های خطرناک و دفع آنها در سال ۱۹۸۹ میلادی، شورای حکام یونپ نظارت بر پسمندی‌های خطرناک را به عنوان یک نگرانی جهانی مورد شناسایی قرار داد و به منظور توسعه‌ی دستورالعملی فی درجهت مدیریت پسمندی‌های خطرناک اقدام نمود. در همین راستا نیز یکی از اهداف برنامه‌ی ۱۹۸۲ میلادی مونته ویدئو (که طی تصمیم ۲۱.۱۰ شورای حکام یونپ به تصویب رسید) رسیدگی به حمل و نقل، کنترل و دفع پسمندی‌های سمی و خطرناک بوده است که به برنامه‌ی محیط‌زیست ملل متحده (یونپ) به منظور توسعه‌ی دستورالعمل قانونی مدیریت پسمندی‌های خطرناک رهنمودهایی را ارائه نمود. در همین چارچوب یونپ گروه کاری از

۱- سام خسروی راد، محیط‌زیست داریم، قانون محیط‌زیست ندادیم، روزنامه انتخاب، شماره ۱۲، ۷۹/۳/۳، ص ۶۱.

۲- بیان صدیقه (۱۳۸۵) «اصلاح ساختار سازمان ملل متحده در زمینه محیط‌زیست»، نشریه راهبرد، ش ۴۱، ص ۶۳.

یونپ مرکب از شورای حکام، دیرخانه و صندوق محیط‌زیست می‌باشد. شورای حکام یونپ نقش قابل توجهی را در انعقاد موافقنامه‌های منطقه‌ای و جهانی داشته و در شکل گیری اصول و توصیه‌هایی به عنوان حقوق نرم ۱۳ بویژه در زمینه‌ی منابع طبیعی مشترک، تغییرات آب و هوا، اکتشاف و استخراج در اعماق دریا، منوعیت و محدودیت مواد شیمیایی، مواد زائد خطرناک، آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی و ارزیابی پامدهای زیست محیطی نقش موثری داشته است. (کیس الکساندر و دیگران (۱۳۷۹)، حقوق محیط‌زیست، ترجمه محمد حسن جیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۸۷-۱۸۸). صندوق محیط‌زیست نیز منابع مالی را برای اجرای طرح‌های زیست محیطی یونپ فراهم ساخته و دیرخانه‌ی دائمی یونپ در کنار انجام وظایف اداری، طرح‌های کشورها را در زمینه حفاظت مناطق مختلف دریاچی، آلودگی هوا، تغییرات جوی وغیره را به شورای حکام ارائه می‌دهد. (موسی‌زاده رضا، (۱۳۹۱)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نشر میرزان، ص ۲۱۹).

متخصصان فنی و قانونی را در سال ۱۹۸۵ میلادی در قاهره با موضوع دستورالعمل‌ها و اصول مدیریت صحیح و دفع پسمندی‌های خطرناک گردهم آورد. در نهایت شورای حکام دستورالعمل قاهره را تصویب نمود و از دبیر اجرایی یونپ درخواست کرد که یک گروه کاری را به منظور آماده کردن کنوانسیونی مبتنی بر نظارت بر حمل و نقل فرامرزی پسمندی‌های خطرناک در اوائل سال ۱۹۸۹ میلادی گرد هم بیاورد. بالاخره در نتیجه این تلاش‌های یونپ، کنوانسیون بازل در ۲۲ مارچ ۱۹۸۹ میلادی به تصویب رسید.^۱ هدف این کنوانسیون حفاظت از سلامت انسان و محیط‌زیست در برابر اثرات نامطلوب پسمندی‌های خطرناک می‌باشد. کنوانسیون بازل طیف گسترده‌ای از پسمندی‌ها را براساس منشاء یا خصوصیت آنها به عنوان پسمندی‌های خطرناک دربرمی‌گیرد و در کتاب آنها نیز دو نوع از انواع پسمندی‌ها یعنی پسمندی‌های خانگی و بقایای حاصل از سوازندن مواد زائد خانگی را با عنوان «دیگر پسمندی‌ها» معرفی نموده است.

لازم به ذکر است که مقررات کنوانسیون بازل حول ۳ محور ذیل قرار دارد:

- ۱- کاهش تولید پسمندی‌های خطرناک و ارتقاء مدیریت سازگار با محیط‌زیست پسمندی‌های خطرناک در هر جایی که محل دفع آنها باشد.
- ۲- محدود کردن حمل و نقل فرامرزی پسمندی‌های خطرناک به جز جایی که منطبق با اصول سازگار با محیط‌زیست است.

۳- اعمال یک نظام نظارتی در حمل و نقل فرامرزی پسمندی‌ها.

محور اول را می‌توان در قالب ماده ۴ کنوانسیون با عنوان «تعهدات عمومی دولت‌ها» مشاهده نمود. محور دوم محدودیت‌هایی را در رابطه با حمل و نقل فرامرزی پسمندی‌ها بیان می‌دارد؛ به عنوان مثال: نمی‌توان پسمندی‌ها را به کشورهایی که عضو کنوانسیون نیستند و یا ورود پسمندی‌ها را به داخل کشورشان ممنوع کرده‌اند، وارد نمود.

در رابطه با محور سوم باید اذعان نمود، نظام نظارتی بر اساس رضایت آگاهانه قبلی، سنگ بنای کنوانسیون بازل را تشکیل می‌دهد. این نظام مستلزم آن است که قبل از اینکه صادرات صورت گیرد مقامات کشور صادرکننده، مقامات کشور واردکننده را با اطلاعات دقیق در مورد پسمندی‌ها و شیوه‌ی حمل و نقل پسمندی‌ها مطلع نمایند. بنابراین طبق این مقررات، حمل و نقل در صورتی انجام می‌گیرد که کشور واردکننده رضایت کتبی خود را به کشور صادرکننده اطلاع دهد. در همین راستا کنوانسیون بازل این مستله را مورد توجه قرار داده است که در صورتی که در صورتی که حمل و نقل فرامرزی پسمندی‌ها به صورت غیرقانونی باشد و یا حمل و نقل نتواند به صورت موقیت‌آمیزی صورت بگیرد کشور یا

۱- طلایی فرهاد؛ حیدری‌الهام، (۱۳۹۴) « نقش سازمان‌های بین‌المللی دارای صلاحیت جهانی در مقابله با آلودگی زیست محیطی ناشی از پسمندی‌ها»، مطالعات حقوقی، تابستان، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۱۲۸.

کشورهای درگیر در این حمل و نقل مسئول می‌باشند و باستی این پسماندها را به روش این دفع کنند یا به کشوری که پسمانده را تولید کرده است برگردانند. همچنین کتوانسیون باز همکاری بین اعضاء را (به ویژه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه) در خصوص مسائل فنی که می‌تواند در اجرای هر چه بهتر مقررات کتوانسیون مفید باشد، پیش‌بینی نموده است.^۱

یکی دیگر از استنادی که توسط یونپ مورد تصویب قرار گرفت و می‌توان آن را مکمل در اجرای صحیح مدیریت پسماندهای خطرناک دانست «کتوانسیون استکهم در زمینه‌ی آلاینده‌های پایدار» است. این کتوانسیون در جهت رفع عوارض ناشی از آلاینده‌های پایدار در چارچوب اجرای کتوانسیون روتردام تحت عنوان «آئین اعلام رضایت قبلی برای برخی موادشیمیائی و سموم دفع آفات خطرناک در تجارت بین‌المللی» پذیرفته شد. نظر به سمتی و خطرناک بودن برخی از مواد موجود در کتوانسیون روتردام، پیشنهادی جهت ممنوعیت تجارت برخی از این مواد مدنظر قرار گرفت که مبنای ایجاد کتوانسیون جدیدی تحت عنوان کتوانسیون آلاینده‌های پایدار گردید. با توجه به خطرات و مضرات حاصل از آلاینده‌های پایدار بر سلامت انسان و محیط‌زیست، شورای حکام یونپ در تاریخ ۷ فوریه سال ۱۹۹۷ میلادی از مدیر اجرایی یونپ درخواست نمود تا به همراه سازمان‌های بین‌المللی ذیربیط نسبت به ایجاد کمیته‌ی مذاکراتی بین‌المللی برای انعقاد سند بین‌المللی الزام آوری در مورد این مواد اقدام نماید.

مجموع این جلسات و مذاکرات، منجر به شکل‌گیری کتوانسیون استکهم شد و در سال ۲۰۰۱ میلادی این کتوانسیون با هدف از رده خارج نمودن و حذف کامل ۱۲ ماده بسیار سمی و خطرناک از محیط زیست به ترتیب تا سال ۲۰۲۵ و ۲۰۲۸ میلادی به امضا رسید. علاوه بر حذف نمودن ۱۲ ماده سمی و بسیار خطرناک، توجه به اصل پائزدهم اجلاس ریو در خصوص محیط‌زیست و توسعه‌ی پایدار در راستای حفاظت از سلامت انسان و محیط‌زیست در مقابل آلاینده‌های پایدار و عدم تولید این ۱۲ ماده خطرناک و جایگزینی آنها با مواد کم خطرتر، کاهش و ممنوعیت مصرف، ممنوعیت واردات و صادرات، از بین بردن مواد ذخیره شده و پاکسازی مناطق آلوده به آنها، از دیگر اهداف کتوانسیون می‌باشد.^۲

1- BASEL. (2014). "The Convention, Overview", www.basel.int.

- دیری فرهاد؛ عباس پور هاشمی عبادی تقی؛ منوچهری میلوفر، (۱۳۸۹) «بررسی ابعاد حقوقی کتوانسیون pops در ایران به منظور ارایه چارچوب قانونی برای کنترل آلاینده‌های آلی پایدار در سطح ملی»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان، ص

۳- اصول حاکم در جهت دفع و امعاً پسماندهای هسته‌ای

۱-۱- اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین

استفاده غیرزیانبار از سرزمین یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شود که در اعلامیه استکلهلم ۱۹۷۲ پیش‌بینی گردید. این اصل بر حقوق حاکمه دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع شان مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی خود تاکید می‌کند و این امر را متذکر می‌شود که دولت‌ها مسؤولیت ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نگردد. این اصل در اسناد و آرا داوری و دادگستری بین‌المللی مورد تایید و شناسایی قرار گرفته است.^۱

مطابق این اصل هر دولت متعهد است به نحوی عمل کند که فعالیت‌های انجام شده در سرزمین خود موجب زیان به دولت دیگر یا جایی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست وارد نیاید. اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین در حقوق بین‌الملل از مقام و منزلت فوق العاده‌ای برخوردار است. طرح این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است: اول این که استفاده غیر زیان از سرزمین یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و در ثانی این اصل به سبب رابطه‌ای که با سایر اصول حقوق بین‌الملل دارد موجب تحکیم و تقویت روابط دوستانه مابین تابعان اصلی حقوق بین‌الملل می‌شود و در نهایت این اصل به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت از محیط‌زیست بازی می‌کند.^۲

الف- شناسایی و پذیرش اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین در اسناد محیط‌زیستی

این اصل برای اولین بار در اعلامیه‌ی استکلهلم مورد شناسایی قرار گرفت. به موجب اصل ۲۱ این اعلامیه دولت‌ها، بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره‌برداری از منابع شان، مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی خود می‌باشند و مسئول هستند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه‌ی صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نگردد».

در اجلاس آتن در سال ۱۹۷۹ انسیتو حقوق بین‌الملل به عنوان ارگان خصوصی تدوین به اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین توجه کرده و اقدام به پیش‌بینی این اصل در قالب قطعنامه‌ای تحت عنوان "آلدگی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و حقوق بین‌الملل" کرد.

۱- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، (۱۳۸۶) «نگاهی به اصل استفاده غیر زیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، علوم محیطی، سال چهارم، شماره چهارم، تابستان، صص ۵۷-۵۸.

۲- افتخار جهرمی گودرز، (۱۳۸۸) «حقوق بشر، محیط‌زیست و توسعه پایدار؛ تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان، شماره ۵۰، ۱۱-۱۳.

انستیتو در اقدامی دیگر در سال ۱۹۹۷ در اجلاس استراسبورگ در مقدمه قطعنامه "مسئولیت در حقوق بین‌الملل در قبال خسارات وارد به محیط زیست" این اصل را بدین صورت متذکر می‌شود که اصل ۲۱ اعلامیه استکهم و اصل ۲ اعلامیه ریو در مورد مسئولیت دولت‌ها در قبال حفاظت از این که فعالیت انجام شده تحت صلاحیت یا تحت نظارت‌شان سبب ورود خساراتی به محیط زیست در دول دیگر یا در مناطقی که در ورای صلاحیت ملی آنها واقع شده، نگردد.

علاوه بر انستیتو حقوق بین‌الملل، طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال زیان بار منع نشده در حقوق بین‌الملل در ماده ۳ مقرر می‌دارد که: «کشورها تمام تدابیر مناسب برای پیشگیری از خسارات فرامرزی قابل توجه را اتخاذ می‌کنند تا خطر به حداقل برسد».

قسمت اخیر اصل ۱۳ اعلامیه ریو نیز به اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین اشاره دارد و مطابق آن «دولت‌ها باید قوانین ملی درخصوص مسئولیت ناشی از خدمات ناشی از آلودگی و دیگر خدمات وارد به محیط زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارات را تدوین نمایند به علاوه دولت‌ها باید برای تدوین مقررات بین‌المللی جدید در مورد مسئولیت و پرداخت غرامت در قبال خسارتی که در اثر فعالیت‌های انجام شده در تحت صلاحیت و اقتدار آنها به مناطق واقع در خارج از قلمرو ملی ایشان وارد می‌آید. با دقت و قاطعیت تمام با یکدیگر همکاری نمایند.

بنابراین و در مجموع می‌توان گفت اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین جزء اصولی است که قبل از اعلامیه استکهم شکل گرفته و توسط اعلامیه ریو و کنوانسیون مربوط به تنوع بیو‌لوزیک مورد تأیید مجدد قرار گرفته است.^۱

ب- محتوای اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین و ارزش حقوقی آن در حقوق بین‌الملل

این اصل تعامل دو موضوع حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست را نشان می‌دهد. تحلیل محتوای اصل استفاده غیرزیانبار از سرزمین چند نکته اساسی را برای ما مشخص می‌کند:

اولاً: این اصل پایگذار حمایت از محیط زیست در آلودگی‌های فرامرزی است. نقش کلیدی اصل مزبور زمانی به خوبی آشکار می‌شود که موضوع حمایت از محیط زیست در آلودگی‌های فرامرزی مطرح باشد زیرا این حمایت یکی از مشکلات و اختلافات بالقوه بین حاکمیت‌هاست.^۲

اصولاً وقتی از قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست صحبت می‌کنیم اولین موضوعی که بیش از هر چیز توجه ما را به خود جلب می‌کند موضوع ارزش حقوقی اسناد محیط‌زیستی است. مهمترین مشخصه غالب اسناد بین‌المللی زیست محیطی ویژگی اعلامی بودن آنهاست و به همین سبب حقوق قوام نایافته از مقام

۱- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، انگاهی به اصل استفاده غیرزیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط زیست، همان، صص ۵۹-۶۰.

۲- پیشین، ص ۴۰.

و منزلت ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برخوردار است. توصیف یک نرم حقوقی به صفت قوام نایافته عموماً مبین محدود بودن قدرت الزامی آن نرم است. به عبارت دیگر وصف یک نرم به این ویژگی (قوام نایافته) نقش مهمی در جدا نمودن دو عالم مختلف یعنی حقوق از غیر از حقوق بازی می‌کند. به تعبیر دیگر عالم قوام نایافته‌ی مرحله‌ای قبل از مرحله الزامی است و با خروج از آن مبدل به یک قاعده الزام‌آور می‌شود.^۱

حال باید دید که اصل استفاده غیرزیانیار از سرزمنی که در اسناد متعدد محیط‌زیستی به آن اشاره شده است دارای این چنین خصیصه‌ای است یا خیر؟ با توجه به اینکه غالب اسناد اعلامی ناشی از کنفرانس‌های بین‌المللی محیط‌زیستی دارای قدرت الزامی کامل نیستند ولی این متون بیانگر ظهور اصولی در پرایتیک دولت‌ها و سازنده مبانی شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی‌اند و به نظر آموزه‌های حقوقی اصول اعلام شده در این اعلامیه‌ها منعکس کننده قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است.

به طور کلی اعلامیه استکهم و ریو به عنوان نخستین گام‌های درخصوص توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شوند ولی باید توجه داشت که محتوای اصول مذکور در این اسناد دارای ارزش حقوقی یکسانی نیستند؛ بعضی از این اصول د بردارنده ماهیتی اعلامی و بعضی در بردارنده تعهدات بین‌المللی برای دولت‌ها هستند. در نتیجه این موضوع سبب ایجاد رویکردی دوگانه نسبت به ماهیت و ارزش حقوقی این اعلامیه‌ها در نظام بین‌المللی می‌گردد. تبلور اصل استفاده غیرزیانیار از سرزمنی در اصل ۲۱ اعلامیه استکهم می‌بن تعادل بین حق دولت‌ها در توسعه یافتن و تکلیف و تهد آنها در عدم ورود خسارت به محیط زیست در ورای مرزهای ملی است. این اصل در کنار اصل پیشگیری و احتیاط جزء اصول مادی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شود و دارای وضعیت مستقلی در حقوق موضوعه بین‌المللی است. تأکید مداوم دیوان بین‌المللی دادگستری بر اصل استفاده غیرزیانیار از سرزمنی نقش محوری دارد و هویت و ارزش اصل مزبور را آشکار می‌سازد. تعهد و تکلیف فوق بخشی از (بدنه) مجموعه حقوق بین‌الملل محیط زیست است.^۲

۳-۲- اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

اصل همکاری بین‌المللی که در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی تلقی می‌گردد جایگاه خاصی دارد. در این چارچوب، بهره‌برداری منطقی و معقولانه از سرزمنی و مدیریت منابع مشترک همچون منابع آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، تغییرات آب و هوای و تنوع‌زیستی نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است. تمایل جهانی به همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت

۱- افتخار جهromi گودرز، «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، همان، صص ۱۵-۱۶.

۲- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، «نگاهی به اصل استفاده غیرزیانیار (پایدار) از سرزمنی در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، همان، صص ۶۳-۶۴

محیط‌زیست، در بسیاری از استاد الزام آور و غیرالزام آور حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تصریح شده که آغازگر آن را می‌توان اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ دانست.

به موازات رشد اقتصادی و انقلاب صنعتی در غرب و روند فراینده صنعتی شدن، محیط‌زیست در معرض تخریب و دگرگوئی قرار گرفت. از یک طرف، قوع حادث ناگواری همچون حادثه کشتی توری کائیون ضرورت قاعده‌مندسازی رفتارها و اقدامات را هشدار می‌داد و از سوی دیگر، میل به داشتن محیط زیست سالم و پیشگیری از تخریب و نابودی آن، اعضای جامعه بین‌المللی را به سمت وسوی تدوین و تصویب استاد حقوقی در این زمینه تشویق می‌نمود و موجبات تدوین و گسترش اصول و قواعد حقوقی الزام آور زیست‌محیطی، در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد.^۱

در واقع هر چند دولت‌ها دارای حاکمیت مستقل هستند، ولی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یک الزام کلی به همکاری با دیگر دولت‌ها را به عنوان یک اصل در جهت برطرف کردن مشکلاتی که مربوط به جامعه بین‌المللی است، مورد توجه قرار داده است. بر پایه این اصل دولتها، موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت، برای حفاظت از محیط‌زیست با یکدیگر همکاری نمایند. طبیعی است که این همکاری باید در خصوص محیط‌زیست، به ویژه مشترکات جهانی از جمله دریای آزاد، قطب جنوب و... برگسته‌تر باشد.^۲

الزام دولت‌ها به همکاری، ریشه در حقوق بین‌الملل عمومی دارد و وجود هزاران معاهده بین‌المللی اعم از معاهدات دوچانبه، چندچانبه، منطقه‌ای و جهانی، نیاز به همکاری با دیگر دولت‌ها را در سطوح مختلف، از جمله محیط‌زیست نمایان می‌سازد.

الف- معاهدات و پروتکل‌ها

در کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۷ در ماده ۲ تحت عنوان مقررات عمومی چنین بیان می‌دارد که: «همکاری میان اعضا می‌باشد از طریق مشاهدات، پژوهش و مبادله اطلاعات به طور منظم جهت فهم بهتر و ارزیابی اثرات فعالیت‌های انسان بر لایه ازن و اثرات تغییرات لایه ازن بر سلامت انسان و محیط‌زیست، اتخاذ تدابیر مناسب و همکاری در هماهنگ‌سازی خط‌مشی‌های شایسته جهت کنترل فعالیت‌های انسانی که یقیناً یا احتمالاً موجب اثرات سوء بر لایه ازن می‌باشند، همکاری در تدوین اقدامات و رویه‌ها به منظور تصویب پروتکل‌ها، همکاری با ارگان‌های ذیصلاح بین‌المللی جهت اجرای مؤثر این کنوانسیون باشد و...». از طرفی، ماده ۴ این کنوانسیون، همکاری در زمینه‌های حقوقی، علمی و فنی را نیز، مورد تأکید قرار داده است.

۱- مولایی آیت، (۱۳۸۸) مبانی و اصول توسعه پایدار زیست محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، خرسنده، حقوق محیط‌زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)، ج اول، ص ۴۱۰.

۲- موسوی سید فضل الله، (۱۳۸۵) سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تهران، نشر میزان، ج اول، ص ۱۷۶.

کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متعدد در مورد تغیرات اقلیم با این عبارات به اصل همکاری بین المللی پرداخته است: «کشورهای توسعه‌یافته بایستی تمامی اقدامات لازم را به منظور ترغیب، تسهیل و تأمین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فتاوری کامل و معقول زیست محیطی به سایر اعضاء، بویژه کشورهای درحال توسعه، جهت ارتقای توان آنها انجام دهند. آنها همچنین باید از توسعه و ارتقای فناوری‌ها و قابلیت‌های کشورهای درحال توسعه حمایت نمایند». این ماده همکاری از طریق تبادل اطلاعات علمی و فتاوری را مدنظر قرار می‌دهد.

در ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متعدد برای بیابان زدایی ۱۹۹، در رابطه با کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی و یا بیابان زایی مواجه هستند، تحت عنوان تعهدات عمومی، تصریح شده است که «اعضا باید همکاری بین کشورهای مبتلا به در زمینه های حفاظت از محیط زیست و حفاظت از منابع آب و خاک را توسعه دهند و نیز همکاری های زیرمنطقه ای، منطقه ای و بین المللی را تقویت نمایند. در ماده ۱۱ همان کنوانسیون تحت عنوان همکاری بین المللی اشعار می دارد که: «طرف های متعاهد باید با جامعه بین المللی همکاری نمایند تا از اعتلالی یک محیط‌زیست بین المللی جهت اجرای مفاد این کنوانسیون اطمینان یابند. این همکاری باید زمینه انتقال فتاوری و همچنین تحقیقات و توسعه علمی، جمع‌آوری و توزیع اطلاعات و منابع مالی را نیز تحت پوشش قرار دهد». این کنوانسیون همکاری‌های فنی و علمی را نیز در مواد ۱۶ و ۱۷ مورد توجه قرار دهد. از این رو معاہدات فوق الاشاره، «اصل همکاری بین المللی» را به عنوان یک الزام و تکلیف برای دولت‌ها در جهت حفاظت محیط‌زیست مقرر نموده است.

ب- حقوق بین الملل عرفی

دیوان بین المللی دادگستری در قضیه تریل اسملت ۱۹۴۱، در خصوص آلدگی فرامرزی این گونه استدلال می کند که اطراف اختلاف، بایستی با یکدیگر همکاری نمایند تا مسائل مربوط به خسارت ناشی از آلدگی هوای ناشی از کارخانه تریل اسملت را به طور مشترک، مورد حل و فصل قرار دهند. از سوی دیگر، دولت‌ها در کنفرانس ملل متعدد در رابطه با انسان و محیط‌زیست در سال داشتن محیط‌زیست سالم و قابل زندگی با توجه به شروط «۱۹۷۲ در شهر استکلهم طی اعلامیه‌ای را یک حق شناخته‌اند و به همین لحاظ حق دسترسی به محیط‌زیست سالم، یک حق» و رفاه انسان‌ها بنیادین محسوب می‌گردد. اصل ۲۴ اعلامیه، وجود روحیه همکاری میان اعضاء را، در راستای رسیدگی به موضوعات بین المللی از جمله حفاظت محیط‌زیست، ضروری می‌داند. در واقع، حفاظت محیط‌زیست، می‌تواند موجد حق و تکلیف برای اعضای جامعه بین المللی باشد. در اجرای این حق و تکلیف، اصول و قواعدی قابلیت اجرایی بین المللی خواهد یافت و به دلیل این که همه دولت‌ها بدون استثناء در آن سهیم خواهند بود، به صورت حقوق بین الملل عرفی نمایان می‌گردد. بسیاری از قواعد عرفی حقوق بین الملل محیط‌زیست در

رویه دولت‌ها شکل می‌گیرد و اصل همکاری نیز، از جمله قواعدی است که ریشه در حقوق بین الملل عرفی دارد.^۱

بر این اساس اصل همکاری اصلی است که تمامی دولت‌ها اعم از این که عضو کنوانسیون‌های زیست‌محیطی باشند یا خیر، ملزم به رعایت آن هستند.

ج- آراء و رویه‌های قضایی بین المللی

اصل همکاری، در آراء و رویه‌های قضایی بین المللی دیگر نیز مورد استناد قرار گرفته است. بر همین اساس، دیوان بین المللی دادگستری در خصوص اختلاف میان دولت‌های مجارستان - اسلواکی در قضیه گابسیکو - ناگیماروس ۱۹۹۷ تصدیق می‌کند که دولت اسلواکی به علت «عدم همکاری بر اساس حسن نیت» تعهدات خود، تحت عنوان حقوق بین الملل را نقض کرده است. همچنین، دیوان در خصوص اختلاف دولت آرژانتین با اروگوئه، در خصوص صدور و اعطای مجوز به یک کارخانه در کنار رودخانه اروگوئه و نگرانی از خطرات احتمالی ناشی از آن، موجب شد تا آرژانتین در ۴ می ۲۰۰۶ دعوایی را علیه اروگوئه در دیوان بین المللی دادگستری، طرح نماید. آرژانتین در دادخواست خود، مدعی گردید که اروگوئه تعهدات قراردادی خود را در خصوص رودخانه اروگوئه نقض کرده است. دیوان در رأی خود به اصول مختلفی از حقوق بین الملل محيط‌زیست اشاره نمود. در ابتدا، دیوان اصل «بار اثبات دعوا بر دوش مدعی است» را در حوزه حقوق بین الملل محيط‌زیست مطرح می‌سازد و آرژانتین را موظف به ارائه استنادی مبنی بر نقض اساسنامه رودخانه می‌کند. سپس، دیوان به ماهیت کمیسیون اداره رودخانه اروگوئه می‌پردازد و آن را برای تحقق تعهد به همکاری مذکور در ماده ۱ اساسنامه، لازم و ضروری می‌داند. از سوی دیگر، دیوان تعهد به اطلاع‌رسانی به کمیسیون را از اسباب همکاری میان اطراف معاهده می‌داند. هم چنین، در قضیه ماکس (ایرلند علیه انگلیس) رأی دیوان بین المللی حقوق دریاها در سوم دسامبر ۲۰۰۱ نشان داد، که تعهد به همکاری قانونی می‌تواند قبل اجرا باشد. ایرلند با استناد به ماده ۱۲۳ کنوانسیون حقوق دریاها به این مطلب اشاره کرد که دولت‌ها در زمینه اعمال حقوق و اجرای تعهدات و تکالیف‌شان می‌توانند با یکدیگر همکاری نمایند. دیوان در این قضیه این گونه نتیجه‌گیری کرد که کنوانسیون حقوق دریاها و حقوق بین الملل عمومی به منظور جلوگیری از آسودگی دریاها از طریق اتخاذ اقدامات موقعي، موظف به همکاری با یکدیگر می‌باشند.^۲

۱- پور هاشمی سید عباس زارعی سحر خاعتری پلدا، (۱۳۹۲) «پرسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم شماره ۳۹، بهار و تابستان، صص ۷۱-۷۲.

2- Kiss, Alexandre, Shelton, Dinah, guide to International Environmental Law, United states of America, Martinus nijhoff publishers, June 2,1925-March 22,2007. p. 13

۳-۳- اصل مسئولیت کشورها در قبال صدمه به محیط‌زیست دیگر کشورها در زمینه آلودگی‌های فرامرزی

الف- مسئولیت کشور آلوده کننده

حقوق محیط‌زیست مجموعه قواعد حقوقی بین‌المللی است که هدف آن حفاظت از محیط‌زیست است. در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، جلوگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته و معیارهای جهانی مشترک جهت به نظم درآوردن اعمالی خاص و یا منوع ساختن برخی فعالیت‌ها اتخاذ گردیده است. اما این به تنها بی کافی نیست، بلکه مهم ضمانت اجرا و مکانیسم جبرانی نقض قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یا به عبارت دیگر، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض آن قواعد است. کشورها بر طبق اصول سنتی حقوق بین‌الملل تنها مسئولان در این حیطه شناخته می‌شوند. در حقوق بین‌الملل دو نوع مبنای برای مسئولیت مطرح شده است که یکی از آنها دارای قدمت یافته است.^۱

این دو نوع مسئولیت شامل مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت عینی یا نظریه خطر است. در نظریه مبتنی بر تقصیر انجام عمل یا خوداری از انجام عملی که مخالف مقررات بین‌المللی باشد کافی نیست، بلکه وجود تقصیر از جانب کشور مسئول شرط می‌باشد. اگرچه این نظریه پایه و اساس آراء زیادی در قرن نوزدهم و بیستم شده بوده ولی از آنجاییکه روابط بین‌المللی و پیشرفت فناوری، در بسیاری از موارد اثبات خطای دولت را غیرممکن ساخته است، لذا به نظر می‌رسد اعمال نظریه تقصیر منجر به عدم جبران خسارت زیست‌محیطی می‌شود. لذا در شرایطی که هنوز جامعه جهانی فاقد ارگانی واحد و کارآمد در زمینه مدیدیت و حفاظت زیست‌محیطی می‌باشد، صحیح آنست که دامنه اجرای این عامل را محدود سازیم. این گونه اشکالات بسیاری از محققان را به این سمت سوق داده است که معیار مسئولیت محض را برای موضوع آلودگی فرامرزی ارایه کنند. مسئولیت محض بعد از وقوع یک حادثه زیان بار عمدۀ به طور خود به خود، مسئولیت جبران خسارت را بر کشور عامل آلودگی بار می‌نماید.^۲

به عبارت دیگر به محض اینکه بین فعالیت‌ها و اعمال یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی و عمل مخالف حقوق بین‌الملل رابطه علیت برقرار گردید، مسئولیت بین‌المللی ایجاد شده است.^۳

با وجود توجه زیادی که جامعه حقوقی بین‌المللی به مساله مسئولیت بین‌المللی در مورد آلودگی مزگذر مبذول داشته است، هیچ‌گونه ساختار عملی از حیث مسئولیت قضایی ایجاد نگردیده است.^۴ اما در کنار این دو مبنای نظریه جدید سومی تحت عنوان مسئولیت برای اعمال منع نشده، در حقوق بین‌الملل مطرح شده است. مطابق این نظریه صرف ورود خسارت از سوی یک کشور به دیگر کشور، برای ایجاد

^۱- زمانی سید قاسم، (۱۳۸۱) «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۲۸-۲۹.

^۲- موسوی فضل الله، (۱۳۸۰) حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تهران، نشر میزان، صص ۷۷-۷۸.

^۳- ضیایی بیگدلی محمد رضا، (۱۳۸۸) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، نشر گنج دانش، ص ۴۷۶.

^۴- موسوی فضل الله، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، همان، ص ۵۶.

مسئلیت کافی است، هرچند رفتار یا عمل انجام گرفته، از دید حقوق بین الملل مجاز بوده است. این نظریه، که متأثر از پیشرفت‌های علمی و فناوری معاصر است که حقوق بین الملل را به انطباق با شرایط جدید واداشته است، به ویژه شدت خسارات ناشی از آلودگی‌های فرامرزی که ممکن است برخی از فعالیت‌های مشروع و مجاز کشورها برای بشریت و محیط‌زیست پیش آورد، زمینه ایجاد این نظریه را فراهم ساخته است.^۱

همانطور که اشاره شد در حقوق بین الملل محیط‌زیست، جلوگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته اما در نظریات مسئلیت پرداخت غرامت فرع بر ورود خسارت دانسته شده است، و به جلوگیری از ورود خسارت و آلودگی اشاره نشده است. بنابراین تحلیل گران امروزی در صدد اعمال تکالیف شکلی و اجرایی بر دولت‌ها هستند) تکالیفی نظیر ارزیابی خسارات و زیان‌های بالقوه محیط‌زیستی که ناشی از فعالیت‌ها و اقدامات درون مرزی یک کشور به کشور دیگر است (تا آموزه مسئلیت دولتها را، قبل از اینکه آلودگی صورت پذیرد، اعمال نماید.^۲

بنابراین یک دولت وظیفه دارد کلیه معیارهای معقول و متعارف را در جهت جلوگیری از آلودگی‌های عمدۀ فرامرزی رعایت نماید. به عنوان مثال، هنگامی که یک دولت در وضع مقررات لازم محیط‌زیستی در رابطه با حفاظت از پوشش گیاهی یا جلوگیری از فرسایش خاک و یا حفاظت صحیح از تالاب‌ها و زیستگاه کوتاهی نماید، آن فعالیت آلوده‌کننده و مخرب را می‌توان به آن دولت منتبث کرد و در حقیقت کشور مذکور تعهدات بین المللی اش مبنی بر استفاده صحیح از منابع را نقض کرده است. با توجه به ویژگی مرزگذر بودن پدیده گرد و غبار به نظر می‌رسد که کشورها باستی مطابق اصل ۵۱ اعلامیه استکلهلم که به حقوق حاکمه کشورها در رابطه با منابعشان مطابق با سیاست‌های زیست‌محیطی اشاره می‌کند ولی در کنار این حق به تکالیف و مسئلیت کشورها در قبال این فعالیت‌ها که منجر به ورود زیان به محیط‌زیست کشورها یا مناطق خارج از محدود ملی آنها نگردد، عمل نمایند. بنابراین کشورها و به ویژه آنها بایی که در معرض خطر این بحران هستند موقوفند نهایت تلاش خود را در زمینه همکاری با یکدیگر در جهت کاهش اثرات و جلوگیری کامل این پدیده از طریق وضع قوانین داخلی موثر و اجرای برنامه‌های کاربردی داخلی و منطقه‌ای انجام دهند. اگرچه عرف بین المللی تا اندازه‌ای قواعد مسئولیت را بیان داشته است اما به نظر می‌رسد وجود موافقنامه چند جانبه‌ای در مورد مسئولیت کشورها در قبال توفان‌های گرد و غبار که آن کشورها منبع و سرچشمه این نوع توفان به حساب می‌آیند و یا در مسیر این توفان باعث شدت گرفتن آن می‌شوند، ضروری به نظر می‌رسد.

۱- ضیایی بیگدلی محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، همان، ص ۴۷۴.

۲- موسوی فضل الله، حقوق بین الملل محیط‌زیست، همان، ص ۴۴.

ب- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت

کشورها در حفاظت از محیط زیست مسئولیت مشترک دارند، اما مسئولیت کشورها در این امر بیکدیگر متفاوت است. این تفاوت به دلیل سهم متفاوت در ایجاد مشکلات زیست محیطی به لحاظ تاریخی با استفاده بی رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه یافته و توانایی های مالی و فناوری این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات زیست محیطی توجیه می شود. در واقع نه تنها مقدار سهم متفاوت می باشد بلکه آن نیز متفاوت است.^۱ در خصوص مسئولیت کشورها برای مقابله با اثرات مخرب ریزگردها و جلوگیری از گسترش آنها قاعده ای کشورهای مشاه ضرر و کشورهای که به دلیل الگوهای ناصحیح مصرف باعث ایجاد چنین شرایطی شده اند مسئولیت بیشتری نسبت به دیگر کشورها دارند. متوجهه در مورد ریزگردها تاکنون در سندي الزام آور به مسئولیت کشورها اشاره نشده است و بعضا در برخی از استاد غیرالزام آور در قالب قطعنامه ها و یا اعلامیه ها هنجاری به مسئولیت کشورها منشأ ضرر اشاره شده است. در این رابطه نقش سازمان های منطقه ای که معمولاً اکثر کشورهای منطقه در آن عضویت دارند بسیار حائز اهمیت است.^۲

۴-۳- اصل اطلاع رسانی فوری و به موقع در مورد خسارات فرامرزی به محیط زیست

مبادله اطلاعات و دسترسی به اطلاعات پیش نیاز اصل همکاری در حوزه محیط زیست می باشد. اصول ۱۹ و ۱۳ اعلامیه ریو^۳ در مورد محیط زیست ۱۳۳۵ به تعهد کشورها در مورد اطلاع رسانی در شرایط اضطراری و فجایع محیط زیستی اشاره دارد. اطلاع رسانی سریع از جانب کشور مشاه ضرر باعث می شود کشورهای دیگر در به حداقل رساندن خسارات به محیط زیست خودشان یا مناطقی که خارج از صلاحیت آنها به شماره روند، موقت عمل نمایند.^۴ در استاد متعدد بین المللی به تعهد کشورها در مورد اطلاع رسانی در شرایط اضطراری و موقعی که کشورها در حال انجام فعالیتی هستند که احتمالاً اثرات فرامرزی خواهد داشت، اشاره شده است.^۵ که از مهمترین این استاد می توان به کتوانسیون کمک رسانی به هنگام وقوع

۱- عبداللهی محسن؛ معرفی سعیده، (۱۳۸۹) «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، ص ۲۰۳.

۲- حسینی سید مهدی، (۱۳۹۱) «بررسی حقوقی ریزگردها از نظر آلدگی های فرامی با نگاهی گذار به وضعیت ایران»، فصلنامه علمی محیط زیست شماره ۵۲، صص ۷-۸.

۳- اصل اعلامیه ریو «دولتها باید فوراً هر فاجعه طبیعی با وضعیت اضطراری دیگر که احتمال دارای اثرات مضر و غیر قابل پیش بینی بر محیط زیست دولت های دیگر باشد به آنها اعلام نمایند. جامعه بین المللی باید تمام توان خود را برای کمک به دولتهای فاجعه دیده بکار گیرد».

اصل ۱۹ اعلامیه ریو «دولت ها باید قبل^۶ و با فاصله زمانی کافی دولتهای را که در معرض خطر هستند مطلق نموده و کلیه اطلاعات ضروری در خصوص فعلیتهایی که می توانند دارای آثار فرامرزی منفی جدی بر محیط زیست باشند در اختیار این دولتها قرار دهند و به سرعت و با حسن نیت کامل با آنها مشورت نمایند».

4- Sands, Philippe, 2003, Principles of International Environmental Law , Cambridge University Press, 2nd Edition, p, 842.

5- Louka, Elli, 2006, International Environmental Law Fairness, Effectiveness, and World Order, Cambridge University press, , p 123.

حادثه هسته ای یا فوریت رادیولوژیکی و کتوانسیون اعلام فوری حادثه هسته ای ماده ۵ و ۶ (کتوانسیون حقوق دریاها) (ماده ۱۳۹)، (کتوانسیون بازل ماده ۱۹)، کتوانسیون تنوع زیستی ماده ۱۴، پروتکل اینمنی زیستی ماده ۱۷ و کتوانسیون مبارزه با بیابان زایی اشاره کرد.

در مواد مختلف کتوانسیون مبارزه با بیابان زایی که مهترین سند در رابطه با ریزگردها به شمار می رود به همکاری کشورها و تبادل اطلاعات بین کشورها عضو اشاره شده است (مواد ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۸، و ۱۹). آن چه در این کتوانسیون حائز اهمیت این است که این سند بیشتر به تبادل اطلاعات اشاره داشته است تا اطلاع رسانی در شرایط اضطراری، که به نظر می رسد بروز توفوکان های گرد و غبار نمونه ای از این شرایط می باشد. ماده ۸ طرح پیش نویس ۲۰۰۱ در مورد جلوگیری از خسارت زیان فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک، کشور منشاء ضرر را موظف نموده است که در شرایطی که خطر بروز خسارت فرامرزی جدی وجود داشته باشد، کشورهای که احتمالاً از این زیان متأثر می شوند را در جریان امور قرار دهد.^۱

نتیجه گیری

قوانین بین المللی اساساً با قوانین داخلی متفاوت است زیرا هیچگونه حکومت جهانی وجود ندارد که حاکمیتش بر کشورها نافذ باشد. در نتیجه این قوانین باید متکی بر توافق طرف های مربوط باشد و کشورها خود را ملزم به رعایت آن کنند، حال ممکن است بسیاری از شهروندان یک کشور معین با آن مخالف باشند. در مجموعه ای از سیاست ها، موافقنامه ها و پیمان های بین المللی به برخی از مسائل زیست محیطی پرداخته شده که آنها را بر روی هم اصطلاحاً قوانین بین المللی زیست محیطی می نامند. البته در این عرصه پیشرفت های دلگرم کننده ای رخ داده که جمله ای آنها موافقنامه هی مختلف در هت حمایت و حفاظت از محیط زیست و در نحوه دفع پسماندها جهت تحقق بخشیدن به امنیت زیست محیطی است. در سال های اخیر فعالیت های دیپلماتیک برای رسیدن به توافق های بین المللی بر سر فهرست بزرگی از مسائل محیط زیست جهانی شتاب زیادی گرفته و این نشانی است از در ک این مسأله که تباہی محیط زیست جهانی تهدیدی واقعی برای همه ملت ها و مردم جهان است.

آن چه مسلم است تتحقق حق برخورداری از توسعه و محیط زیست سالم عنوان حق های بشری در گروه سازو کار موثری به نام توسعه پایدار است در واقع توجه به حقوق نسل های آینده در برخورداری از منابع و امکانات زیست محیطی، با توجه رشد و افزایش بهره بردن از صنایع و مشتقات هسته ای از اهمیت الایی برخوردار است تا جایی که همواره دغدغه صیانت از امنیت زیست محیطی می تواند مورد توجه باشد. در این راستا توجه به اصولی که بتواند آسیب های ناشی از دفع پسماندهای هسته ای را از اهمیت الایی برخوردار است؛ از جمله اصل استفاده غیر زیست از سر زمین، اصل همکاری در حقوق بین الملل محیط زیست، اصل مسئولیت کشورها در قبال صدمه به محیط زیست دیگر کشورها در زمینه آلودگی های

1- Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, 2001. Art(8).

فرامرزی و اصل اطلاع‌رسانی فوری و به موقع در مورد خسارات فرامرزی به محیط‌زیست؛ که باید در دفعه و امحای پسماندهای هسته‌ای بر اساس توجه به آنها اقدام نمود.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- افتخار جهرمی گودرز، (۱۳۸۸) «حقوق بشر، محیط‌زیست و توسعه پایدار»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، پاییز و زمستان.
- ۲- بیران صدیقه (۱۳۸۵) «اصلاح ساختار سازمان ملل متعدد در زمینه محیط‌زیست»، نشریه راهبرد، ش. ۴۱.
- ۳- بیاتی معصومه، (۱۳۸۲) محیط‌زیست در اینترنت، نشریه موج سبز.
- ۴- پور هاشمی سید عباس زارعی سحر خاعتبیری یلدآ، (۱۳۹۲) «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین الملل محیط‌زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم شماره ۳۹، بهار و تابستان.
- ۵- حسینی سید مهدی، (۱۳۹۱) «بررسی حقوقی ریزگردها از منظر آلدگی‌های فراملی با نگاهی گذار به وضعیت ایران»، فصلنامه علمی محیط‌زیست شماره ۵۲.
- ۶- خسروی راد سام، (۱۳۷۹) محیط‌زیست داریم، قانون محیط‌زیست نداریم، روزنامه انتخاب، شماره ۱۲، .۷۹/۳/۳.
- ۷- رمضانی قوام آبادی محمد حسین، (۱۳۸۶) «نگاهی به اصل استفاده غیرزیباتار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط‌زیست»، علوم محیطی، سال چهارم، شماره چهارم، تابستان.
- ۸- زمانی سید قاسم، (۱۳۸۱) «توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط‌زیست»، مجله پژوهش‌های حقوقی سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان.
- ۹- دادس کلاوس، (۱۳۸۴) ژئوپولیتیک در جهان متغیر، ترجمه زهرا احمدی پور، تهران، بلاغ دانش.
- ۱۰- دیری فرهاد؛ عباس‌پور هاشمی عبادی تقی؛ منوچهری میلوفر، (۱۳۸۹) «بررسی ابعاد حقوقی کنوانسیون pop در ایران به منظور ارایه چارچوب قانونی برای کنترل آلاینده‌های آلی پایدار در سطح ملی»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان.
- ۱۱- دیری فرهاد و دیگران، (۱۳۸۶) «جایگاه محیط‌زیست در قوانین برنامه‌ای پس از انقلاب در ایران»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره نهم، شماره اول.
- ۱۲- ضیایی بیگدلی محمد رضا، (۱۳۸۸) حقوق بین الملل عمومی، تهران، نشر گنج دانش.
- ۱۳- طلایی فرهاد؛ حیدری الهام، (۱۳۹۴) «نقش سازمان‌های بین المللی دارای صلاحیت جهانی در مقابله با آلدگی زیست محیطی ناشی از پسماندها»، مطالعات حقوقی، تابستان، دوره هفتم، شماره ۲.
- ۱۴- عبداللهی محسن؛ معرفی سعیده، (۱۳۸۹) «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط‌زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹.
- ۱۵- علیزاده عمران؛ زهرا پیشگاهی فر، (۱۳۹۰) «امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۴، بهار.

- ۱۶- کیس الکساندر و دیگران (۱۳۷۹)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- لانک هلیف، (۱۳۸۴) «توسعه پایدار و درنگی در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه»، ترجمه جمال محمدی، مجله راهبرد، ج ۱ شماره ۲.
- ۱۸- موسوی سید فضل الله، (۱۳۸۵) سیر تحولات منابع حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، نشر میزان، چ اول.
- ۱۹- موسوی سید فضل الله، (۱۳۸۰) حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، نشر میزان.
- ۲۰- مولاوی آیت، (۱۳۸۸) مبانی و اصول توسعه پایدار زیست محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، خرسندی، حقوق محیط زیست (نظریه ها و رویه ها)، چ اول.
- 21- BASEL. (2014). "The Convention, Overview", www. basel. int.
- 22- Homer, tomas, Environmental scarcities and violent conflict : evidence cases, International security, (summer). 1994.
- 23- Kiss, Alexandre, Shelton, Dinah, guide to International Environmental Law, United states of America, Martinus nijhoff publishers, June 2,1925-March 22,2007.
- 24- Louka, Elli, 2006,International Environmental Law Fairnees, Effectivness, and World Order, Cambridge University press.
- 25- Sands, Philippe, 2003, Principles of International Environmental Law , Cambridge University Press, 2nd Edition.